

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

### قسم دوم عبادات مکروهه

عرض کردیم که مرحوم آخوند(ره) فرموده‌اند که: عبادات مکروهه بر سه قسم است؛  
قسم اول جایی بود که، نهی به ذات عبادت تعلق پیدا کرده و این عبادت هم بدل ندارد، مثل صوم یوم عاشورا، که مفصل بحثش را مطرح کردیم و تمام شد.  
قسم دوم جایی است که، نهی به ذات عبادت تعلق پیدا می‌کند و بدل هم دارد، مانند نهی که، به صلاه در حمام تعلق پیدا کرده و مکلف اینجا بدل هم دارد، می‌تواند به جای صلاه در حمام، در مسجد یا در دار این صلاتش را انجام دهد.  
این نهی متعلق به صلاه در حمام، از نظر صناعی چیست؟ آیا کسی که در حمام نماز می‌خواند، اینجا اجتماع وجوب و کراهت شده‌است؟ همان کراهت مولوی مصطلح، که در متعلق یک مفسده‌ای هم باشد. که اینجا را هم باید مانند قسم اول طوری توجیه کرد و جواب داد.

### توجیهات مرحوم آخوند(ره) در قسم دوم عبادات مکروهه

مرحوم آخوند(ره) (در کفایه) فرموده‌اند: در اینجا دو راه وجود دارد؛ راه اول همان مطلبی است که در قسم اول گفتیم، که همان را در اینجا، طابقاً نعل بالنعل مطرح می‌کنیم که، در ترک این صلاه در حمام، عنوانی منطبق است که، در آن عنوان، مصلحتی وجود دارد. در ترک صلاه در حمام، خود این ترک، عنوانی برش منطبق است یا ملازم با عنوانی است که، در آن عنوان مصلحت وجود دارد. پس نتیجه این می‌شود که، اینجا را هم از باب تزاحم مستحبین قرار دهیم.  
بعد فرموده‌اند: علاوه بر این راه اول، یک راه دومی هم در اینجا وجود دارد که، بگوییم: در اینجا این نهی، به خاطر حصول منقصتی در خود این طبیعت مامور بها است، به این بیان که، صلاه که عبارت از طبیعتی است و امر به آن تعلق پیدا کرده، اگر به یک مشخص غیر ملائم، تشخص پیدا کند، سبب می‌شود که، منقصتی در این صلاه ایجاد شود.  
نماز طبیعتی است که امر به آن تعلق پیدا کرده، اگر تشخص پیدا کرد به اینکه، در حمام واقع شود، نتیجه این می‌شود که، این صلاه مامور بها یک منقصتی پیدا می‌کند.  
همانطوری که فرموده‌اند: گاهی مشخص، موجب یک مزیتی در این طبیعت مامور بها است. صلاه مصلحتی دارد، اگر این صلاه در مسجد واقع شود، موجب مزیتی در این طبیعت می‌شود.  
آنوقت فرموده‌اند که: آن حد وسط را، یعنی مشخصی که، نه موجب مزیت و نه منقصت شود، ملاک قرار می‌دهیم و آن عبارت از صلاه در دار است. این «کون الصلاه فی الدار»، نه موجب منقصت و نه مزیتی برای این صلاه است. آنوقت نسبت به این می‌گوییم: اگر در حمام واقع شد، از این مقدار مصلحتی که صلاه در دار دارد، منقصت پیدا می‌کند و اگر در مسجد واقع شد، زائد بر این مقدار، مصلحت پیدا می‌کند، به خاطر مزیتی که الان پیدا کرده‌است.

بعد فرموده‌اند که: مراد کسانی که از کراهت، تعبیر کرده‌اند به اقلیت ثواب، همین است. اینهایی که گفته‌اند: عبادات مکروهه، یعنی عباداتی که اقل ثواباً هست، مراد همین است که، این عبادت و طبیعت همراهش يك مشخصي وجود دارد که، موجب منقصتی در این مأمور به می‌شود. اقلیت صواب به همین بر می‌گردد.

## اشکالی از مرحوم آخوند(ره) به راه حل «اقلیت ثواب»

در آخر هم اشکالی را جواب داده‌اند که، اگر بگوییم که: این مشخص‌ها، موجب نقصان و مزیت در این طبیعت می‌شوند، نتیجه‌اش این می‌شود که، در صلاه مثلاً بگوییم: در آن فرد اعلي از صلاه، فقط مزیت وجود دارد و از آن فرد اعلي که بگذریم، تماماً منقصت وجود دارد. مثلاً بگوییم: صلاه جماعت در مسجد الحرام، فرد اعلي از صلاه است، تمام مصادیقی که مادون این هست، در آن منقصت وجود دارد و نتیجه این می‌شود که، باید تمام مصادیق صلاه، از عبادات مکروهه شود، برای اینکه حتی در صلاه در مسجد، نسبت به صلاه در مسجد الحرام منقصت در آن وجود دارد. در تمامی این مصادیق، فقط يك مصداق است که در آن منقصت وجود ندارد، آن هم فرد اعلي از صلاه است و مادون آن مصداق تماماً باید از عبادات مکروهه شود.

## جواب مرحوم آخوند(ره) به این اشکال

مرحوم آخوند(ره) در جواب از این اشکال فرموده‌اند: ملاک را دادیم که، در طبیعت صلاه، آن طبیعتی که همراه با مشخصی است، که آن مشخص، نه موجب مزیت است و نه موجب منقصت، برای ما ملاک است. مشخصی مثل صلاه در دار، که نه موجب منقصت است و نه موجب مزیت، این را ملاک قرار می‌دهیم، منقصت از این مرتبه به پایین است و مزیت از این مرتبه به بالاست. صلاه در حمام مشخصی دارد که، سبب نقصان و منقصت نسبت به صلاه در دار، در صلاه می‌شود. بعد ایشان در آخر فرموده‌اند: نتیجه این می‌شود که، در این قسم اول، هم نهی می‌تواند مولوی باشد و هم ارشادی. اما در قسم دوم، طبق بیانی که ذکر شد، نهی فقط ارشادی است. اینکه مولا از صلاه در حمام نهی می‌کند، ارشاد است به اینکه، مصلحتش منقصت پیدا می‌کند و اینکه برو جای دیگری نماز بخوان، که مصلحتش منقصت پیدا نکند.

## نقد و بررسی کلام مرحوم آخوند(ره)

اگر بخواهیم در این فرمایش مرحوم آخوند(ره) در اینجا تحقیق کنیم، چند قسمت دارد؛ يك قسمت اینکه، آن جواب در قسم اول، طابقاً نعل بالنعل، در قسم دوم هم جریان پیدا می‌کند. دیگر این که، نهی در این قسم دوم، ارشادی است و به معنای «اقل ثواباً» است، مطلب سوم اینکه، در قسم دوم، نهی فقط ارشادی است، به خلاف قسم اول که نهی، هم می‌توانست مولوی و هم ارشادی باشد.

## اشکال به بخش اول کلام مرحوم آخوند(ره)

اما نسبت به قسم اول از جواب ایشان، به ذهن می‌رسد که، اصلاً مجالی برای اینکه، آن جوابی که در قسم اول داده‌اند، در اینجا جریان پیدا کند، نیست.

در قسم اول گفتیم: در صوم یوم عاشورا، جواب آخوند(ره) این بود که، بر این ترك، يك عنوانی منطبق می‌شود که، برای آن مصلحت وجود دارد و مسئله را به «تزام بین المستحبین» برگردانده‌اند.

می‌خواهیم ببینیم در اینجا، التزام بین المستحبین، اساساً چطور جریان دارد. کسی که صلاه در حمام را انجام می‌دهد، چه عنوانی بر ترك این صلاه منطبق می‌شود؟ این صلاه بدل دارد، یعنی صلاه را در خارج حمام انجام دهد. آیا می‌خواهند بفرمایند

که، بین این دو تزامم به وجود می‌آید؟ یعنی يك نماز، نماز در حمام است، که چون بدل دارد و نماز در مسجد بدلش هست، تزامم بین المستحبین می‌شود.

نماز در مسجد یعنی وقوع این صلاه در مسجد يك مستحب، اصل نماز هم که رجحان دارد، بین این دو تزامم به وجود می‌آید. مکلف هم می‌تواند این نماز را، در اینجا را ترك کند و داخل مسجد آن را اتيان کند.

قاعدتاً مراد مرحوم آخوند(ره) باید همین باشد، چون نمی‌توانیم بگوییم: بر ترك صلاه در حمام، عنوانی منطبق است. در صوم یوم عاشورا، بر ترك صوم، عنوان مخالفت با بني‌امیه بود و مخالفت با بني‌امیه مصلحت دارد، بین ترك و فعل، تزامم بین المستحبین واقع می‌شود. در اینجا هم بگوییم: تزامم بین دو فرد از يك واجب است.

همانطوری که در باب تزامم، گاهی می‌گوییم: بین صلاه و صوم تزامم می‌شود، بین دو واجب تزامم به وجود می‌آید، مثلاً یا قدرت دارد روزه بگیرد، که دیگر بی‌حال می‌شود و نمی‌تواند نماز بخواند، یا قدرت دارد نماز بخواند، که اگر نماز خواند، دیگر نمی‌تواند روزه بگیرد، در این صورت تزامم بین الواجبین می‌شود. در اینجا هم بگوییم: بین دو فرد از يك تکلیف، در ما نحن فیه تزامم به وجود آمده است.

اگر صلاه در حمام را انجام دهد، صلاه در مسجد از دستش می‌رود و دیگر فایده‌ای ندارد، چون امتثال محقق شده است. پس نهی از صلاه در حمام، به تزامم بین این دو فرد، یعنی نماز در حمام و نماز در مسجد بر می‌گردد و شارع با این نهی می‌خواهد، در اینجا تزامم را ایجاد کند.

اگر مقصود مرحوم آخوند(ره) این باشد، اینجا دیگر آن قسم اول نیست که، يك عنوانی منطبق شده باشد، باید بگوییم: مقصود ایشان این است که، اینجا هم تزامم بین المستحبین است.

به عبارت اخري در ترك صوم عاشورا می‌گفتیم: در این ترك يك مصلحت وجود دارد، اما در اینجا نمی‌توانیم بگوییم: در ترك صلاه در حمام مصلحت وجود دارد، بلکه در آوردن بدل، که صلاه در مسجد باشد مصلحت وجود دارد. اگر کسی صلاه در حمام را ترك کرد و صلاه در مسجد را هم نیاورد، بر صرف ترك صلاه در حمام، هیچ عنوان و مصلحتی منطبق نمی‌شود. باید بگوییم: صلاه در حمام، چون بدلی به نام صلاه در مسجد دارد، بین این دو تزامم ایجاد می‌شود و چون صلاه در مسجد اهم است، لذا باید این را ترك و صلاه در مسجد را انجام دهد. اگر این مراد مرحوم آخوند(ره) شد، در حقیقت به راه دوم بر می‌گردد. خلاصه اشکال به بخش اول جواب آخوند(ره) - که این اشکال را در کلمات ندیدم - این است که جوابی که از قسمت اول دادیم، طابقاً النعل بالنعل در اینجا هم می‌آید، در اینجا باید بگوییم: بر ترك صلاه در حمام، عنوانی منطبق است که مصلحت دارد، در حالی که بر ترك هیچ عنوانی منطبق نیست.

در ترك صوم عاشورا، عنوان مخالفت با بني‌امیه بود، اما در ترك صلاه در حمام، چه عنوانی منطبق است؟ اگر بگویید: مقصود همان اصل تزامم بین المستحبین است، چون راهی که مرحوم آخوند(ره) طی کرد، تزامم بین المستحبین بود، یعنی بین صلاه در حمام با صلاه در مسجد تزامم می‌شود، این «یرجع الي الطريق الثاني» که همان اقل ثواباً است.

وقتی می‌گوییم: بین این دو تزامم است، یعنی شارع ارشاد می‌کند که، این نماز در حمام، اقل ثواباً هست از ثواب در مسجد، لذا این طابقاً النعل بالنعل را، در اینجا درست نفهمیدیم، که مراد مرحوم آخوند(ره) چیست و به حسب ظاهر، این اشکال در اینجا وارد است.

## اشکال به بخش دوم کلام مرحوم آخوند(ره)

در بخش اخير مرحوم آخوند(ره) فرموده‌اند: نهی در این قسم «لا یكون الا للارشاد»، اما در قسم اول، هم مولوی است و هم ارشادي.

اشکال این است که، اگر گفتیم: جواب از قسم اول، طابقاً النعل بالنعل در اینجا جاری است، مگر تزامم بین المستحبین را، بین دو حکم مولوی قرار نمی‌دهید؟ اصلاً تزامم، معنایش به این است که، حکم مولوی است، بین يك حکم ارشادي و يك حکم مولوی که تزامم به وجود نمی‌آید. تزامم یعنی دو حکمی که از مولا صادر شده و مکلف قدرت بر امتثال هر دو را، در زمان واحد ندارد. پس اینکه شما فرموده‌اید: طابقاً النعل بالنعل، معنایش این است که، تزامم بین المستحبین هم اینجا می‌آید، پس چرا فرموده‌اید:

نهی در این قسم «لا یكون الا للارشاد».

این طابقاً النعل بالنعل چطور اینجا جریان دارد؟ آیا می‌توان در اینجا گفت: در ترك صلاه در حمام، عنوانی منطبق است. اگر بگوییم: فقط مرادش تزاحم مستحبین است، اشکالش این است که؛ اولاً به اقلیت ثواب در واقع برمی‌گردد، ثانیاً با بخش اخیر کلام آخوند(ره) سازگاری ندارد.

در اینجا با قطع نظر از کلام مرحوم آخوند(ره) مرحوم نائینی(قدس سره) فرموده‌اند: نهی صلاه در حمام را، نهی حقیقی مولوی کراهتی قرار می‌دهیم و يك بیانی در اینجا دارند، که شاید قبل از ایشان، بین اصولیین کسی این بیان را نداشته، بیان ایشان را ببینید، تا ببینیم آیا به بیان ایشان اشکالی وارد هست یا نه؟

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ